

بررسی تطبیقی جایگاه انسان در معماری با رویکرد معرفتی از منظر تعقل در مساجد تاریخی و معاصر شهر تبریز

محمدتقی پیربابایی^۱، عباس غفاری^۲، فرزانه قلیزاده^۳

۱- دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۲- استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۳- کارشناسی ارشد معماری دانشگاه هنر اسلامی تبریز

ghaffari@tabriziau.ac.ir

چکیده

اسلام آیینی انسان محور است و این انسان محوری را با ابزار گوناگون نمود می‌بخشد. یکی از ابعاد وجودی انسان در این آیین، رویکرد معرفت شناختی نسبت به او است که شناخت او را تا سر حد لازمه ای در جهت معرفت الله ارتقا می‌دهد. اساس این ادعا عقل انسان است که مقدمه خلیفه الهی او بشمار می‌آید و از این منظر، واجد ارزش می‌باشد. به نظر می‌رسد بتوان معماری را به عنوان یکی از ملموس ترین ابزار تعقل بکار بست و از پارامترهای سازنده کالبد در جهت اندیشه بهره جست. در این میان طبیعی است که معماری فضایی که ماهیتا در راستای معارف دینی طراحی می‌گردد، نقش برجسته تری ایفا خواهد نمود و مسجد، مصداق تام این مقوله است. بنابراین پژوهش حاضر با فرض امکان‌دهی بنای مسجد در جهت تعقل، روش توصیفی استنادی را در حوزه مبانی نظری با تکیه بر حکمت اسلامی به کار بسته و یافته‌های خود را در دو گروه مساجد تاریخی و معاصر شهر تبریز آزمون سازی می‌نماید. به واقع کالبد و پارامترهای معمارانه به عنوان متغیرهای مستقل و تعقل و تفکر متغیر وابسته پژوهش در نظر گرفته شده اند. آزمون سازی به دو ابزار میدانی و انسانی انجام یافته و علاوه بر پرسش نامه و تبیین نظرات مخاطبین، ارزیابی میدانی نمونه‌ها توسط خود محقق نیز ارائه دهنده نتایج بوده است. دست آورد پژوهش نشان می‌دهد که هرچند نمونه‌های تاریخی و معاصر در حیطه پاسخ به پارامترهای تعقل، عملکرد نزدیک به هم و تقریبا مشابه دارند؛ لیکن نمونه‌های سنتی در حوزه تعقل انفرادی کارآیی مطلوب تری نشان می‌دهند. از طرفی دیگر تعقل انفرادی موثرترین پارامتر در تعقل بشمار می‌آید و لذا می‌توان گفت در کلیت تعقل و در نگاهی کلی، مساجد سنتی نمونه‌های موفق تری در امر تعقل محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی: معرفت، ابزار معرفت، تعقل، مسجد

مقدمه

نیاز به پرستش که همانند دیگر خواسته‌های فطری به صورت بالقوه در وجود آدمی نهادینه شده است؛ به منظور بالفعل شدن نیازمند بستری است که در متون دینی تحت عنوان شناخت و معرفت از آن یاد می‌گردد. ولیکن از سویی دیگر انسان به جهت ادراک محدود خود قادر به معرفت تام نامحدود لایزال نیست و لذا نیازمند ابزاری است که در حد مرتبه خود، به شناخت